

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

همان‌گونه که حضرات آقایان و فضلا مستحضرنند چند روز پیش به مناسبت یکصدمین سال بازتأسیس حوزه مقدّسه قم، رهبر معظم انقلاب (دام‌ظله‌العالی) پیامی بسیار مهم و جامع صادر فرمودند که توسط مدیر محترم حوزه قرائت گردید. این پیام طولانی، جامع و بسیار دقیق بود. هر کس که این پیام را اجمالاً ملاحظه کند، به‌روشنی دو سه نکته‌ای را که اکنون عرض می‌کنم درخواهد یافت.

نکته اول توجه خاصّ مقام معظم رهبری به اصل دین و حوزه‌های علمیه و کارآمدی روحانیت در جامعه است. در همه شئون اجتماعی کشور، دین و حوزه برای ایشان در بالاترین اولویت قرار دارد. ما سراغ نداریم که معظم‌له به هیچ نهاد یا ارگان دیگری پیامی به این مفصلی داده باشند. همین پیام طولانی و جامع با ادبیات جدیدی که دارد، نشان می‌دهد که واقعاً دین، روحانیت، دینداری مردم، تبلیغ دین و رساندن دستورات الهی توسط روحانیت چه جایگاه محوری و درجه اولی در نظر ایشان دارد.

نکته دوم این‌که چنین پیامی از فردی غیر از ایشان برنمی‌آید. شخصیتی عظیم که در کنار فقاہت و تسلط بر علوم اسلامی (بحمدالله)، بیش از سی‌وپنج سال است که سکاندار رهبری نظام می‌باشد، با اشراف کامل بر زوایای جامعه و انقلاب اسلامی توانسته است چنین پیامی را برای حوزه‌های علمیه مطرح کند. هیچ‌کس جز ایشان نمی‌تواند دارای چنین احاطه‌ای باشد؛ انتظار چنین چیزی از کسی نمی‌رود و برای غیر ایشان هم قابل تحقق نیست. در اینجا باید واقعاً خداوند را شاکر باشیم بر وجود ایشان و بر برکتی که به‌واسطه حضور ایشان نصیب ما شده‌است. در چهلمین سال انقلاب، آن بیانیه عمیق «گام دوم انقلاب» را مرقوم فرمودند و در آغاز قرن پانزدهم شمسی نیز این پیام را برای ترسیم برنامه آینده حوزه و روحانیت – و به‌تبع آن حرکت آینده انقلاب – ارائه کردند. اگر این برنامه با همین دقت فهمیده و عمل شود، حرکت انقلاب اسلامی بسیار پربرکت و موفق خواهد بود.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم، یکی از ویژگی‌های این پیام ادبیات جدید آن است که از نکات برجسته بیانات مقام معظم رهبری می‌باشد. بالآخره یک انسان متفکر گاهی اوقات برای بیان فکر خود باید عنوانی نو ابداع کند. یکی از عناوینی که ایشان اشاره کرده‌اند و در قرآن کریم نیز مطرح شده، مسئله «بلاغ مبین» است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری فرموده‌اند وظیفه اصلی روحانیت «بلاغ مبین» است، کما اینکه در چند جای قرآن خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید وظیفه همه انبیا «بلاغ مبین» است: «وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (یس: ۱۷)، و «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده: ۹۹).

استاد شهید مرتضی مطهری (رضوان الله علیه) نیز پیش‌تر «بلاغ مبین» را – همان‌گونه که دیگران هم اشاره کرده‌اند – در حوزه تبلیغ (که یکی از شئون حوزه است) چنین معنا می‌کردند که مبلغ باید پیام دین را کاملاً شفاف و روشن ابلاغ کند؛ بی‌پرده، بدون هیچ ابهام و دوپهلوگویی، و بدون آمیختن آن با اصطلاحات غامض و پیچیده، به‌گونه‌ای که همه بفهمند. انبیا نیز پیام الهی را به‌صورت کاملاً واضح بیان می‌کردند، به‌طوری که هم فیلسوف درجه یک و هم انسان عامی بی‌سواد بفهمند خدا چه می‌گوید. این نکته را شهید مطهری به‌عنوان یکی از اصول روش تبلیغ بیان فرموده بودند.

اما رهبر معظم انقلاب اسلامی (دام‌ظله) در این پیام، «بلاغ مبین» را دارای گستره‌ای عظیم در همه شئون حوزه‌های علمیه می‌دانند. بر این اساس، هر مبلغ دین، هر استاد مدرس، هر مؤلف و محقق و هر کسی که می‌خواهد رسالت الهی خود را انجام دهد، باید از «بلاغ مبین» برخوردار باشد. دامنه «بلاغ مبین» از اعتقادیات و توحید گرفته تا زندگی فردی مردم و نظامات اجتماعی را دربرمی‌گیرد.

به نظر می‌رسد «بلاغ مبین» در اینجا یعنی این‌که انسان چیزی از دین را فروگذار نکند و دین را با همه ظرفیتش در اختیار جامعه قرار دهد. از نظر اینجانب، این مهم‌ترین نکته و روح حاکم بر سراسر پیام است. برای مثال، در مسئله توحید، «بلاغ مبین» یعنی توحید را به درستی و روشنی برای جامعه تبیین کنیم و نگذاریم جامعه گرفتار غلو و شرک شود و از سوی دیگر از توحید واقعی فاصله بگیرد. در زمینه احکام نیز باید عیناً همان را برای مردم بیان کنیم که خداوند تبارک و تعالی فرموده است، بی‌آن‌که چیزی از پیش خود کم یا زیاد کنیم. در اخلاق و سبک زندگی و نظام حکومت‌داری هم همین‌طور.

به یک عبارت، **شاهبیت این پیام آن است** که مقام معظم رهبری تصریح فرمودند: از آثار و اموری که «بلاغ مبین» به‌طور برجسته در آن دخالت دارد این است که حوزه، اگر بخواهد از عهده بلاغ مبین برآید، باید تمدن اسلامی را در برابر تمدن‌های باطل و انحرافی زمان ما ترسیم کند. یعنی اگر حوزه بتواند در همه ابعاد وارد شود، در حقیقت همان فکر و اندیشه‌ای را محقق کرده است که امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه) داشتند و می‌فرمودند: «فقه ما از گهواره تا گور برنامه دارد»؛ یعنی دین در همه علوم جامعیت دارد.

رهبر انقلاب نیز در بخشی از پیام با همین تعبیر تأکید می‌فرمایند که «تمدن اسلامی برترین هدف دنیایی انقلاب است». سپس توضیح می‌دهند و می‌گویند تمدنی که در آن علم، فناوری، منابع انسانی، منابع طبیعی، همه توانایی‌ها و پیشرفت‌های بشری، حکومت، سیاست، نیروی نظامی و هرآنچه در اختیار بشر است در خدمت عدالت اجتماعی و رفاه عمومی باشد. این دقیقاً همان چیزی است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ یعنی همه ارسال رسولان و انزال کتاب‌ها برای این است که عدالت در جامعه محقق شود. به این معنا که در جامعه نه فاصله‌های طبقاتی باشد، نه زورگویی، نه ظلم، و نه چپاول ملت‌ها و منابع آن‌ها.

تمدن فاسد و منحط غربی که امروز مشاهده می‌کنیم، تمدنی است که برای چپاول منطقه خاورمیانه پا به میدان گذاشته است؛ تمدنی است که می‌خواهد منابع انسانی را تحت سلطه درآورد؛ تمدنی است که برده‌داری را به مراتب بدتر از دوران جاهلیت احیا می‌کند؛ تمدنی است که قتل و حیات برایش معنایی یکسان دارد؛ تمدنی است که میان انسان و حیوان تفاوتی نمی‌گذارد؛ بلکه در این تمدن غربی، حیوان را نسبت به انسان برتر می‌شمارند (یعنی ارزش حیوان را در برخی جهات بیشتر از انسان می‌دانند)؛ تمدنی است که رژیم را به‌وجود می‌آورد که کودک‌کشی در رأس امور آن است (یعنی رژیم غاصب صهیونیستی).

آیا اسلام واقعاً برنامه‌ای ندارد؟ آیا اسلام در برابر این تمدن فاسد و منحط بی‌برنامه است؟ رهبر انقلاب می‌فرمایند ما باید به دنبال تمدن اسلامی و فقه تمدن‌ساز و فلسفه تمدن‌ساز باشیم. البته ایشان در ضمن فرمایشاتشان تأکید می‌کنند که یک فقیه دیگر نمی‌تواند به علوم موجود و رایج اکتفا کند، بلکه باید با علوم انسانی روز ارتباط داشته باشد؛ باید با دانشگاه‌ها مرتبط باشد و بر آخرین نظریات علوم انسانی اشراف داشته باشد. چنین کسی می‌شود فقیه بالمعنی الکلمه. و این فقیه می‌تواند در کنار فیلسوفان، متکلمان و مفسران حوزه، برنامه تمدن اسلامی را طراحی کرده و به‌تدریج ارائه نماید.

گاهی اوقات بعضی منتقدان می‌گویند: «کجای دین کلمه تمدن به گوش شما خورده؟» مگر باید این لفظ در متون دینی آمده باشد؟ آیه شریفه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ...» نشان می‌دهد که هدف انبیا اقامه قسط و عدالت بوده است؛ بنابراین اشاره به همین معنا نیز در قرآن آمده است. «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را نباید فقط در امور مالی و مادی معنا کرد؛ قسط هر چیزی به حسب

خود آن است. نباید هیچ ظلمی وجود داشته باشد، در عبودیت، در اقتصاد و در سیاست. آیا اگر آدم فاسد و ظالمی را رئیس یک حکومت قرار بدهند، آن جامعه روی عدالت را خواهد دید؟ هرگز.

لذا می‌فرمایند حوزه‌های علمیه باید چنین هدف بزرگی را دنبال کنند و برنامه‌ها و تلاش محققان، فقها و مؤلفان در این مسیر قرار بگیرد تا وظیفه اصلی حوزوی تحقق یابد. همچنین تصریح می‌کنند که ما باید «نظامات» را طراحی کنیم؛ از جمله نظام قضایی اسلام را. طراحی به این معنا نیست که گویی الآن هیچ نظامی نداریم (اتفاقاً قبلاً عده‌ای می‌گفتند ما نظام نداریم که ما هم آن را رد کردیم. و اتفاقاً می‌دیدم که در این پیام، بعضی نکاتی را که ما پیش‌تر در بحث نظامات مطرح کرده بودیم، ایشان هم بیان فرمودند). ایشان می‌فرمایند تنظیم نظامات باید با کمک علوم روز باشد و باید از علوم روز بهره بگیریم؛ درست‌هایش را أخذ کنیم و نادرستش را کنار بگذاریم. باید یک نظام خانواده را تنظیم کنیم، یک نظام قضایی را تنظیم کنیم، یک نظام ارتباط دولت با مردم و نیز روابط دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها را تنظیم کنیم. حوزه باید این نظام‌ها را طراحی نماید.

مسائل جدید و موضوعات نو باید به وجود بیاید. خوشبختانه حوزه امروز ما واقعاً قابل مقایسه با حوزه قبل از انقلاب نیست. این رشته‌های تخصصی که امروز وجود دارد، بحمدالله بر اساس همان تدبیری است که مرحوم والد ما (رضوان‌الله تعالی علیه) داشتند. در همان دهه اول انقلاب که مسئولیت اداره حوزه با مرحوم والد ما بود، رشته‌های تخصصی تفسیر، کلام، نهج‌البلاغه، تبلیغ و امثال آن پایه‌گذاری شد، تا تأسیس «مرکز فقهی» که امروز شکر خدا می‌بینیم در مسیر همان اندیشه امام و رهبری، رشته فقه پزشکی ایجاد شده‌است که بسیار غنی است و برای گفتن حرف‌های جدید آماده‌است.

یکی از نکاتی که رهبری فرمودند این است که ما نه تنها باید از مبانی و تمدن خود دفاع کنیم، بلکه باید به تمدن غرب نیز حمله کنیم. ما باید اثبات کنیم نظام خانواده در تمدن غرب نظامی پوسیده و ویرانگر است که چیزی برای انسانیت باقی نمی‌گذارد. نظام اقتصادی‌شان نیز همین‌طور است؛ نظامی که ثروتمند را ثروتمندتر و فقیر را فقیرتر می‌کند. ما باید با «فقه اقتصادی» به آن‌ها یورش ببریم. معظم‌له تعبیر فرمودند به «مهاجم فرهنگی» (این همان ادبیات جدیدی است که اشاره کردم): هر یک از ما باید یک «مهاجم فرهنگی» باشیم.

فقه سیاست چقدر حرف برای گفتن دارد؟ زمانی تلقی این بود که اسلام اصلاً سیاست ندارد! همین‌جا عرض کنم، رهبر معظم انقلاب هشداری می‌دهند و باز فرمایشات امام خمینی (رحمة الله علیه) را تکرار می‌کنند؛ امامی که دلشان خون بود از دست متحجرانی که در حوزه‌ها به دنبال جدایی دین از سیاست بودند. معلوم می‌شود این نگرانی را رهبر معظم انقلاب نیز امروز دارند. واقعاً اکنون هم یک جمع قلیل و کم‌اهمیتی به ترویج این فکر مشغولند؛ هرچند بدنه اصلی حوزه با فکر امام و رهبری و اندیشه‌های امام و شاگردان امام همراه است.

من به یاد دارم وقتی امام (رحمة الله علیه) به رحمت خدا رفتند، مرحوم والد ما (رضوان‌الله علیه) در مدرسه فیضیه سخنرانی مهمی ایراد کردند. ایشان آن زمان رئیس شورای مدیریت حوزه بودند و جمعیت انبوهی هم حضور داشت. نکات بسیار مهم و تاریخی‌ای در آن سخنرانی بیان کردند که از جمله آن‌ها این بود که فرمودند: «دشمنان امام که منتظر بودند امام به رحمت خدا برود و خودشان را آماده کردند برای مقابله با امام، بدانند تا ما شاگردان امام هستیم نخواهیم گذاشت آن‌ها به اهداف خودشان برسند؛ همان‌هایی که به دنبال جدایی دین از سیاست هستند!»

چند سال پیش در تهران به مناسبت یکصدمین سال تأسیس حوزه قم، جلسه‌ای برگزار کردند که در آن جلسه نسبت ناروایی به مرحوم آیت‌الله حائری و مرحوم آیت‌الله بروجردی (رضوان‌الله علیهما) دادند. گفتند این دو مرجع قائل به جدایی دین از سیاست بودند؛ و اکنون، پس از گذشت چهل سال، ما به این نتیجه رسیده‌ایم که حق با آن‌هاست! این سخنان را با صراحت گفتند و در رسانه‌ها هم منعکس شد. رهبر معظم انقلاب با دقت در ابتدای پیام‌شان تصریح می‌فرمایند: آن تدبیر مرحوم آیت‌الله شیخ

عبدالکریم حائری بود که حوزه نوپای قم را تشکیل داد و حفظ کرد. در ادامه، آن حوزه به مرحوم آیت‌الله بروجردی سپرده شد و ایشان نیز قم و حوزه آن را کانون تشیع در دنیا قرار دادند؛ چرا که آیت‌الله بروجردی در زمان خود دارای مرجعیت مطلق بود. و فرمودند از دل آن حوزه شخصیتی مثل امام خمینی (رحمة الله علیه) طلوع و بروز کرد؛ یعنی کاملاً روشن ساختند که ظهور امام نتیجه آن حرکت و دوراندیشی مرحوم آیت‌الله حائری بود.

در تأیید همین موضوع، یکی از بزرگان (که به رحمت خدا رفته است) نقل می‌کرد: من با پدرم به محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری رفتیم. پدرم به ایشان عرض کرد: چرا شما در مقابل اقدام رضاخان در قضیه کشف حجاب موضع محکمی نمی‌گیرید یا لااقل به عنوان اعتراض به نجف هجرت نمی‌کنید؟ مرحوم حائری فرمودند: «من می‌دانم اگر به نجف بروم، آن‌جا هم مورد احترام بزرگان نجف قرار خواهم گرفت و چه بسا وضع از جهت مرجعیت تقلید هم بهتر از اینجا بشود. اما اگر من بروم، همه چیز در ایران از بین خواهد رفت. بنابراین می‌مانم.» ایشان با همین ماندن خود، حوزه قم را حفظ کردند. پس چرا بگوئیم مرحوم حائری سیاست نداشت یا کاری به امور سیاسی نداشت؟ یعنی آیا برای ایشان فرق نمی‌کرد که کشف حجاب بشود یا نشود؟ مگر ممکن است یک مؤمن نسبت به چنین کاری بی‌تفاوت باشد، چه برسد به یک مرجع تقلید بزرگ مثل مرحوم آیت‌الله حائری!

یکی از قسمت‌های مهم این پیام این است که عده‌ای به دنبال ترویج مبنای باطل جدایی دین از سیاست هستند که باید فضایی حوزه پاسخ علمی و عالمانه به آن‌ها بدهند. ما نیز در همین مرکز فقهی خود چند سال نظریه مهم امام خمینی (رحمة الله علیه)، یعنی «الاسلام هو الحکومة»، را بحث و بررسی کردیم. من قبلاً هم عرض کردم که «الاسلام هو الحکومة» به مراتب قوی‌تر از نظریه ولایت‌فقیه ایشان است. ولایت‌فقیه را ممکن است کسی بعداً بگوید یک بحث اجتهادی است و در مباحث اجتهادی اختلاف نظر هست؛ یکی قائل به ولایت مطلقه فقیه است و یکی نیست.

اما ما گفتیم اساس این انقلاب بر این است که امام می‌گوید خداوند تبارک و تعالی انبیا را برای حکومت فرستاده و دین را برای حکومت فرستاده؛ اصلاً انبیا را فرستاده که خودشان (یا جانشینان منصوب از طرف خود) حکومت کنند. غیر از حکومت خدا و کسانی که از طرف خدا مأذون هستند، شخص دیگری حق حکومت ندارد! امام خمینی این مطلب را در کتاب البیع خود مطرح کردند. ما نیز با بررسی‌های قرآنی دیدیم چه قدر آیات قرآنی بر این مدعای امام دلالت دارد. در کتاب «آیات حکومت در قرآن» که به تازگی منتشر شده، این آیات را آورده‌ایم. واقعاً محال است کسی آن آیات را ملاحظه کند و بعد بگوید اسلام کاری به سیاست ندارد.

خود همین آیه «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات...» را نگاه کنید؛ چه سیاستی بالاتر از اجرای قسط و عدالت؟ اجرای قسط در همه شؤون بشر – بین حاکم و مردم، روابط اقتصادی، روابط اخلاقی، روابط خانوادگی و روابط بین‌الملل – مطرح است. «قسط» عنوانی است که فقط به مسائل مالی اختصاص ندارد بلکه همه امور، حتی برخورد میان دو نفر را شامل می‌شود. این، عین سیاست است؛ مگر سیاست غیر از این است که مردم به عدالت برخیزند؟ «لیقوم الناس بالقسط» یعنی حاکم باید خدا باشد یا کسی که از طرف خدا اذن حکومت دارد؛ غیر از خالق، هیچ‌کس حق حکومت بر انسان‌ها را ندارد. این «بلاغ مبین» برای رسیدن به تمدن اسلامی است؛ و ریشه تمدن اسلامی هم در همین آیه و نظایر آن در قرآن کریم نهفته است. این مهم‌ترین بخش فرمایشات ایشان است.

تعبیراتی که عرض کردم – «فقه تمدن‌ساز» و «فلسفه تمدن‌ساز» – نکته جدید دیگری بود که در این پیام آمد و تا به حال سابقه نداشت. این‌که امروز متفکران حوزه، هم فقها و هم فلاسفه، برای این طرح عظیم تمدن اسلامی باید همفکری و ایده‌پردازی کنند. یعنی با فقه تنها نمی‌شود چنین طرحی ارائه کرد؛ با فلسفه تنها هم نمی‌شود؛ با دانشگاه تنها هم نمی‌شود؛ با علوم انسانی تنها هم نمی‌شود؛ و با جامعه‌شناسی و روان‌شناسی غربی هم نمی‌شود طرح تمدنی داد. با فلسفه غربی هم نمی‌توان چنین طرحی ریخت.

باید نقاط مثبت همه این‌ها را بگیریم و همه را کنار هم بگذاریم و این طرح را طراحی کنیم و این برنامه را برای آینده تدوین نماییم.

بنده به اجمال گزارشی ارائه دادم و برخی از نکات مهم این پیام را عرض کردم. این پیام حاوی مطالب بسیاری است. اولاً توصیه می‌کنم آقایان طلاب آن را مباحثه کنند. روزی که برای همین همایش به قم رفته بودیم، یکی از مسئولین دفتر مقام معظم رهبری به من فرمودند سه هفته ایشان همه کارهایشان را تعطیل کردند تا این پیام را بنویسند. پیداست که با مطالعه و تجربیات هشتادساله و با آن اخلاص و تقوا این پیام را نگاشتند.

ایشان که دیگر دنبال مقام و منصب دنیوی نیستند. چقدر این نکته زیباست که فرمودند: «با اخلاق به میدان بیاوید؛ طلاب و حوزه‌ها دنبال مال و نام و مقام نباشید.» همچنین طلاب را به تهذیب نفس و اخلاص و تقوا توصیه کردند. و از توصیه‌های مهم دیگر ایشان ارتباط با مردم است. واقعاً در این چهل و چند سال، به خاطر عوامل مختلف – که مهم‌ترینشان منافقین بودند و هدفشان این بود که بین روحانیت و مردم جدایی بیندازند و تا حدی هم با ترورها در این کار موفق شدند – معظم‌له تأکید فرمودند که روحانیت با مردم ارتباط داشته باشد.

آخرین نکته جالب و برجسته در این پیام تأکید ایشان بر این بود که «امروز باید کیفیت تعلیم عوض شود.» یعنی طلبه باید طوری تربیت شود که قدرت اقناع مخاطب را داشته باشد؛ باید با شیوه‌های مناظره و گفتگو آشنا باشد؛ باید نوع تعامل با افکار عمومی، رسانه‌ها و فضای مجازی را بداند؛ طلبه باید انضباط در مواجهه با عناصر مخالف را یاد بگیرد و در این زمینه تمرین و ممارست کند. به نظر بنده این مطلب بسیار مهمی است؛ یعنی نباید صرفاً به همین درس‌های متعارف خود اکتفا کنیم، بلکه باید دید دغدغه فکری جامعه و نسل جوان چیست.

نکته‌ای هم که کاملاً به حق است، این بود که فرمودند امروز فرآورده‌های تبلیغی حوزه با آنچه جوان‌ها و مردم نیاز دارند متناسب نیست. این انتقادی بود که ایشان مطرح کردند. چنین سخنی را کسی می‌تواند بگوید که اطلاع اجمالی از همه این نوشته‌ها و گفته‌ها داشته باشد. ایشان می‌فرمایند این‌ها نتوانسته‌اند توقعات و انتظارات نسل امروز را پاسخ بدهند. باید پیگیری کنیم که توقعات نسل امروز و جوان‌ها چیست و چه روشی باید پیدا کنیم تا این شبهات درونی آن‌ها را حل کنیم.

و باز فرمودند اکثر جوان‌های ما وفادار به دین و دیانت هستند؛ مبدا چنین تلقی شود که امروز اکثر جوان‌ها با دین زاویه پیدا کرده‌اند. این واقعاً سخن حقی است. بله، ممکن است یک عده‌ای گاهی به خاطر مشکلات اقتصادی، همه‌چیز (حتی شب و روز) را انکار کنند؛ معلوم است که دینشان از ابتدا عاریه‌ای بوده است. جمع قلیلی این‌طور هستند، اما این‌که امروز وضعیت این‌گونه باشد صحیح نیست.

سپس ایشان بشارت دادند که امروز در طول تاریخ شیعه و در طول تاریخ اسلام، وضعیتی با این عزت و عظمت که اکنون شیعه در دنیا دارد نداشته‌ایم. این امر وظیفه ما را سنگین‌تر می‌کند و ما را به کار و راهمان امیدوار می‌سازد. طلبه نگوید «من چرا درس می‌خوانم؟» امروز دنیا تشنه حقایق تشیع و حقایق اسلام است؛ حقایق اسلام را فرا بگیر و منتقل کن تا حامل «بلاغ مبین» شوی. چنین امیدآفرینی و نکاتی را معظم‌له بیان فرمودند.

به هر صورت، انتظار ما از مسئولین حوزه این است که این پیام را به چند جلسه و نشست ختم نکنند. و از این مسئولین چنین انتظاری می‌رود که ان شاء الله به صورت جدی پیگیری خواهند کرد. اما افزون بر آن، لازم است اساتید حوزه این پیام را در درس خود مطرح کنند، طلاب آن را به دقت مورد بررسی قرار دهند و درباره‌اش گفتگو کنند تا عملیاتی شود؛ بخش‌های مختلف پیام تبیین گردد و کیفیت اجرای آن روشن شود.

بنده می‌خواهم تعبیری عرض کنم؛ همان‌طور که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری با حضور خود در سال ۱۳۰۱ یک تأسیس جدید در حوزه‌های علمیه به‌وجود آورد، این پیام نیز آغاز رشدی جدید در حوزه‌های علمیه است. و خدمتی که این پیام به حوزه‌های علمیه خواهد کرد – اگر به‌درستی به آن عمل شود – کمتر از خدمت آن دوره مرحوم حاج شیخ نخواهد بود.

ما خداوند متعال را شاکریم. ان‌شاءالله خداوند وجود شریف مقام معظم رهبری را مستدام بدارد، حوزه‌های علمیه ما و مراجع بزرگوار و اساتید عالی‌قدر را حفظ کند و به همه ما توفیق دهد که پیام اسلام را آن‌گونه که مورد رضای حضرت حق (جلّ و علا) است و آن‌چنان که حجت خدا، حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه)، از همه ما سربازانش انتظار دارند، به بهترین وجه درک کرده و به آن عمل نماییم.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ